

تا اسلام، دین جهانی

تا اسلام، دین جهانی

آیت الله محمد آصف محسنی([1])

بسم الله الرحمن الرحيم

(الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على من أرسله للناس كافة وعلى آل الله هداة الأمة وأصحابه الدعاة
الى الرحمة)

در این مقاله چند مطلب بطور خلاصه مورد بحث قرار می گیرد:

اول: آیا اسلام خود را دین همه انسانها میداند و یا دین قوم خاصی، و به تعبیر روش دین اسلام خود را دین همه زمانها و مکانها و همه انسانها میداند، یا دین جماعت خاصی و زمان معینی و منطقه مخصوصی؟ و یا اینکه در این مورد خاموشی برگزیده است.

دوم: برداشت عقلی و فلسفی و دینی (براساس قرآن و سنت) از مجموع دین اسلام به جهانی بودن آن می‌انجامد یا به محلی بودن آن.

سوم: موانع و مشکلات جهانی شدن دین اسلام.

چهارم: راههای جهانی شدن اسلام:

1 - اسلام خود را دین جهانی می‌داند

1 - (و ارسلناك للناس رسولاً) (النساء / 79)

ما تو را برای مردم، رسول فرستاده ایم.

2 - (وما ارسلناك الا كافية للناس بشيراً ونذيراً ...) (سبأ / 28)

نفرستاده ایم ترا مگر برای همه مردم بشارت دهنده و بیم دهنده.

3 - (ولكن رسول الله وخاتم النبيين) (احزاب / 40)

ختم نبوتها و انبیاء به آمدن آنحضرت متضمن بقاء نبوت او تا روز قیامت است.

در اینجا ممکن است این سؤال در ذهن خواننده پیدا شود که نفي نبوت نبي بعد از بیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه وآلہ وسلم) لزوماً^۱ بمعنای بقای نبوت آنحضرت تا قیامت نمی باشد، زیرا احتمال نفي تکلیف شرعی پس از مدتی نیز وجود دارد که انسانها اصلاً مکلف نباشند.

جواب این سؤال اینست که احتمال رفع تکلیف شرعی صد درصد منتفی است و مخالف هدف خلقت انسان می باشد و نمی شود که انسان از تکامل روحانی خود محروم بماند. قرآن هم بتأکید حکم عقلی فرموده است.

(ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون). جن و انس را جز برای اینکه مرا بپرستند نیافریده ایم.

و لذا در حدیث کافی([2]) آمده است که حلال محمد تا روز قیامت حلال است و حرام او تا روز قیامت حرام است.

4 - (وأوحى إلي هذا القرآن لا نذركم ومن بلغ) (انعام / ۱۹)

5 - (ومن يبتغ غير الاسلام دينا فلن يقبل منه وهو في الآخرة من الخاسرين) (آل عمران / ۸۵)

7 - (قل يا أيها الناس إني رسول الله إليكم جميعاً) (اعراف / 158)

8 - از سوره جن بدست می آید که آنحضرت (صلی الله علیه وآلہ وسّلہ) بر طائفه جن نیز مبعوث بوده اند.

9 - در حدیث متواتر منزله آمده است: (إِنَّمَا مُنْزَلَةُ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا يَنْبَغِي بَعْدَهُ إِلَيْهِ وَآلِهِ) ای علی تو به من همانند هارون به موسی هستی ولی پس از من نبی ای وجود ندارد. و این حدیث را شیعه و سنی نقل کرده و علامه سیوطی آنرا متواتر میداند. ([3])

نفي نبوت ونبي پس از پیامبر ما در احادیث زیاد به چشم می خورد.

10 - (وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رحمةً لِّلْعَالَمِينَ) (آل‌نبیاء / 127)

اگر کلمه عالمین را به عالم ها معنی کنیم آیه چنین می شود: تو را نفرستاده ایم مگر رحمتی برای جها نها.

اطلاق آیه، جهان انس و جهان جن و جهان حیوان و جهان فرشتگان و جهان موجودات کهکشانهای دیگر را نیز شامل می‌شود.

ولی اگر رحمت را رحمت تکوینی بدانیم نه تشريعی، آیه شریفه از موضوع نبوت بیرون می‌رود.

بیادم است حکیم سیزوواری در حواشی اسفار یا شرح منظومه خودش در تفسیر آیه می‌گوید که موجودات به دو قوه نیازمندند یکی شوق که تحصیل کمال مفقود است و دیگری عشق که حفظ کمال موجود است و این دو قوه توسط وجود مقدس سرور کائنات به موجودات می‌رسد.

ولی آیه مبارکه: (ان هو الا ذکر للعالمين) قرآن برای جهانها یا جهانیان پند است.

و آیه شریفه: (تبارك الذى نزل الفرقان على عبده ليكون للعالمين نذيرا) (فرقان / ١)

قرآن یا رسول او بیم دهنده عالم‌ها یا عالمیان است. می‌شود قرینه ای تشريعی بودن رحمت باشد نه تکوینی بودن آن.

بهرحال مستفاد از آیات قرآنی و احادیث اینست که:

1 – دین اسلام برای همه انسانها است.

2 – این دین تا روز قیامت قانون الهی و شریعت آسمانی و نافذ بر همه کره زمین است.

3 – اسلام زمان و مکان و قوم خاصی را نمی شناسد.

ممکن است توهمند شود که آیه مبارکه: (هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأَمَمِينَ رَسُولًاٰ مِّنْهُمْ...) (سوره جمعه)

او خدایی می باشد که در بین بیسواندان فرستاده ای از خود آنان فرستاد...

دلالت بر مبعوثیت او در بین بیسواندان مکه می نماید، ولی با اینکه در آیه اسم مکه برده نشده، مدلول آن اینست که یک قسمت از مبعوث علیهم را بیان می دارد که پیامبر از بین آنان برانگیخته شده است و هیچ گونه نظری به همه اصنافی که پیامبر بر آنان مبعوث شده است ندارد بلکه آیه بعدی می گوید: (و آخرين منهم لما يلحقوا بهم...) که توهمند اختصار را تضعیف می کند. چنانچه آیه مبارکه: (و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه.) (ابراهیم / 4)

ما هیچ رسولی را مگر به زبان قومش نفرستاده ایم، دلالتی بر نفي نبوت آنحضرت از غیر عربها ندارد حتی اگر کلمه قوم بمعنای امت استعمال شده باشد، زیرا آیه نظری به حضرت پیامبر ندارد و از وضع رسالت انبیای گذشته حکایت می کند و ثابت نیست که جز پیامبر اسلام هیچ پیامبری بر همه بشر روی زمین مبعوث شده باشد و ادعای بعضی از مفسرین درباره عموم رسالت حضرت نوح (علیه السلام) برای همه انسانهای روی زمین خودش چندان روشن نیست.

و از نظر اعتبار عقلاً نیز نبوتهاي گذشته نباید عموميت داشته باشد، زیرا ارتباطات آن عصرها بسیار مشکل و محدود بوده است و دعوت انبیاء (علیه السلام) روی وسائل عادي صورت گرفته است.

بهرحال مخالف آنچه که در اثبات عموم طولی و عرضی رسالت آنحضرت (صلی الله علیه و آله) گذشت در قرآن و سنت مشاهده نمی شود.

2 - جهانی بودن اسلام در تحلیل فکری

اولاً - انسان بیهوده آفریده نشده است و آفرینش او لغو و بی هدف نیست، اساساً همه موجودات برای هدفی آفریده شده اند و این هدف بخالق برنمی گردد که او کامل و غنی با لذات و میرا از نیاز و نقص است، و این هدف بخود مخلوقات بر میگردد. قرآن مجید هم در جهان بینی والای خود به این حکم عقلی اشاره دارد که این اشاره به نوبت خود یکی از معجزات علمی قرآن است. در سوره طه (آیه. 5) از زبان حضرت موسی (علیه السلام) چنین نقل شده است. (ربنا الذي اعطى كل شيء خلقه ثم هدى). پروردگار ماکسی است که به همه اشیاء و ماهیات لباس هستی آنها را پوشانیده و سپس آنها را (بسوي كمال لا يغشان) راهنمایی فرموده است. و در سوره اعلی می فرماید: (والذي قدر فهدی) بنا بر این اینکه معنای آیه این باشد که خداوند وجود اشیاء را اندازه گیری نموده و انگهی آنها را به هدف نهایی شان رهنمون شده

و طبعاً موجودات عاقل برعلاوه هدایت تکوینی هدایت تشريعی را هم مستحق می باشد و لذا جن و انس با ید تکلیف شرعی و هدایت اختیاری هم جهت تکامل روحانی خود داشته باشد و با فرض اینکه ادیان موجوده بجز اسلام دست خورده و مخالف عقل اند، دین اسلام تنها مصدق منحصر بفرد هدایت تشريعی الهی باقی می ماند. و اسلام با ید دین جهانی فعلی انسانها باشد.

در تحلیل عقلی ممکن است به این نتیجه برسیم که حیوانات برخلاف پندار عوام نیز از هوش و ادراک نسبی برخوردارند و علوم امروز این موضوع را تا حدود زیادی بعلاوه بعضی از آیات قرآن مجید که برای حیوانات نطق و شعور را اثبات نمود، مبرهن و مدلل ساخته است. بلکه می شود از قرآن مجید نیز مکلف بودن حیوانات را استفاده کرد. مثلاً در جایی می فرماید: (وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ^۱ وَلَا طَائِرٌ يُطِيرُ
بِجَنَاحِيهِ إِلَّا مِمَّا أَمْتَلَّكُمْ...) (آل‌نعام / 38)

هیچ جنبنده ای در زمین و هیچ پرنده ای که به دو بال خود پرواز می کند جز امتها بی امثال شما نیستند، بنابراین میشود فهمید که همه انواع روندگان و پرندگان امتها بی هستند.

از آیات دیگر مانند (لکل امة رسول) و (ان من امة الا خلا فيها نذير) (یونس / 47)

استفاده می شود که هر امت دارای رسولی می باشد و رسول پیام آور و تکلیف آور است.

و این استدلال جوابی ندارد مگر اینکه ادعا شود لفظ امت در آیات دومی منصرف به انسانها است.

و از نظر عقلی نیز می شود سخن صاحب اسفار را پذیرفت که بنابر اصالت وجود همه موجودات از علم و قدرت نسبی برخوردارند، زیرا روی این اصل، وجود و علم و قدرت هرچند در مفاہیم خود متعدد و متبایند ولی در حقیقت خود یکی هستند، هر جا وجود محقق باشد علم و قدرت نیز محقق است.

بلی شکی نیست که هدایت تشریعي و اختیاري انسان با هدایت سایر انواع موجودات فرق زیادی دارد و حتی تکالیف دینی انسانها نیز در بستر زمان و اختلاف افکار و اوضاع اجتماعي و محیطی مختلف بوده که شرایع آسمانی را متعدد و متفاوت نموده است.

بهرحال از جزئیات این بحث که بگذریم می فهمیم که دین اسلام دین جهانی و دین همه انسانها می باشد که باید از همین راه به خداوند تقرب جست و تنها بوسیله تعالیم او به تکامل نفس و تکمیل عدالت اجتماعی پرداخت.

3 – جهان بودن اسلام از تبع شریعت آن

با تفکر و تعمق در دین اسلام به این نتیجه می رسیم که اسلام استعداد و استحقاق جهانی شدن را دارد، ولی در دینهای منسوخ دیگر چنین شایستگی را ندارد، لذا باید دین اسلام دین جهانی باشد. و توضیح این

استدلال بشرح زیر است:

۱ - دین اسلام مشتمل بر اجزای زیر است:

الف) اصول اعتقادی.

ب) عبادات از قبیل نماز، روزه، زکات، حج و امثال آن.

ج) معاملات بالمعنى الاخص، همانند احکام خرید و فروش، اجاره، جعله، مضاربه، شراکت، مزارعه، مساقات.

د) سایر روابط مالی و اقتصادی از قبیل احیاء موات، تولید، توزیع، مصرف، اقسام ضمانت، عاریه، ودیعه، نفقة واجب النفقه ها، صلح، ملکیت فردی، ملکیت خصوصی، ملکیت عمومی و ملکیت فقراء و ملکیت دولت.

هـ) هبات، صدقات، نذورات، اوقاف، قرض، کفارات.

ز) وجوب قیام به صناعاتی که ضروریات زندگانی مردم است که حفظ نظام عمومی مردم بر آنها متوقف است.

ح) میراث، وصایا، نکاح، طلاق و متعلقات آنها و روابط زن و شوهر و پدر و مادر و اولاد و فامیل، و
صله رحم.

ط) احکام خوردنیها، نوشیدنیها، تعهدات اختیاری بوسیله شرط و نذر و یمین و عهد و غیره، لقطه دین و
قرض، رهن، حواله، کفالت، اقرار، شکار.

ی) حدود، دیات، تعزیرات، قصاص، حجر (منع از تصرفات مالی).

ک) حکومت، قضاء، شهادت، امنیت و دفاع تا مرحله جهاد مسلحه.

ل) تعلیم، تعلم، تبلیغ، امر بمعروف، نهي از منکر، ارشاد و همکاری بر خوبیها نه بر بدیها.

م) اخلاقیات و مکارم اخلاقی که شرح آن مفصل است.

ن) روابط اجتماعی و عدالت اجتماعی در فامیل، محله و همسایگان و با عموم مردم، و بین ملت و حکومت و بین فقراء و اغناها و بین علماء و عوام انسان و بین مسلمانها و اهل کتاب و روابط بین المللی و حقوق زنان و اطفال و پسران و حقوق عمومی حتی حقوق حیوانات.

ص) نظافت و حفظ جان از مهلكات و ضررهاي مهم و عدم اسراف در مواد طبیعی.

ع) تحریم غیبت، دروغ، افتراء، تجاوز به جان و مال و آبرو و ناموس و فواحش و منكرات و قمار و سرقت و خیانت و غصب و تبذیر و گمان بد و اتهام و غش و دهها عوامل دیگر منافیات سلامت اجتماع و جامعه.

ف) تنفيذ اصلة البرائة درباره همه انسانها و متهمین تا اثبات جرم و حفظ کرامت انسانها و تحریم تکبر و بزرگ بینی و تشویق به تواضع و احترام به مردم و حقوق آنها . و وجوب حفظ نفوس محترمه از هلاکت. و امثال این امور.

توضیح و نتیجه گیری

من از تفصیل بحث که احتمالاً محتاج به کتاب جداگانه ای گردد، معذرت می طلبم بطور خلاصه می گویم که اجزای دین اسلام برای عقل و فکر انسانها و برای فعالیتهای علمی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی آنان هیچ پیچیدگی و مشکله ای ایجاد نمی کند، بلکه اکثر شرایع اسلامی هم اکنون در دنیا ای امروزی مورد قبول و عمل و حتی از لوازم زندگانی در قرن 21 میلادی می باشد.

اگر بعضی از قوانین فقهی مانند دیه عاقله و امثال آن مورد پسند جمعی از مردم امروز نباشد حداقل دست و پا گیر و مخل به نظم زندگانی نیست. عبادت بدنی اسلامی بسیار محدود است که به هیچ وجه مانع فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی انسانها نیست. یک خانم آلمانی که در حومه کسل (یکی از شهرهای آلمان) توسط نگارنده مسلمان شده بود گفت همه دستورات اسلام بشمول حجاب و روزه و نماز را می پذیرم ولی نماز ظهر و عصر برای مشکل است. که من در یک کارخانه کار می کنم فقط نیم ساعت وقت برای صرف نهار دارم، وقتی برای او توضیح دادم که ده دقیقه برای ادای مقدار واجب ظهربین کفايت می کند و در 20 دقیقه هم می توانی غذا را بخوری گفت درست است مشکله ام حل شد.

عبادات مالی اسلامی از قبیل زکات و خمس و غیره نیز بسیار ساده است و با مالیات کمرشکن غربیها اصلاً^۱ قابل مقایسه نیست.

بنا براین دین اسلام فی حد نفسه استعداد استحقاق جهانی بودن را دارد.

مثلاً^۲ مانند دین یهود مخصوص یک قوم نبوده و برای یک قوم نازل نشده و قومی را بر سایر انسانها تفضیل نداده است ولی تورات برای بنی اسرائیل است و اعتقاد یهودیها اینست که آنان از دیگران برتر و بهترند و دین موسی مخصوص به همان قوم است.

اسلام برای همه مردم و انسانها آمده است و مخاطب او همه مردم (الناس) است، و ملاک برتری انسانها را در قومیت یا منطقه خاص یا نژاد خاص قرار نداده بلکه برتری افراد را در پناه علم (هل یستوی الذين یعلمون و الذين لا یعلمون آیا آنانیکه میدانند با آنانیکه نمی دانند برابرند؟) و طهارت نفس و

انضباط اخلاقی (ان اکرمکم عنداً اتفاکم گرامی ترین شما در نزد خدا با تقوی ترین شما است) قرار داده است. بنا براین دین یهود نه ادعای جهانی شدن را دارد و نه استعداد آنها را، علاوه که اثبات سلامت توراه از انحراف غیرممکن است و این امر اساس این دین را ویران می‌سازد.

نصرانیت در اولین اصل خود از نظر عقلی به بن بست می‌رسد و برای عقای دنیا نامفهوم است. تثلیث شرک آمیز بمنزله فرمول (۱ = ۳) است که بجهه‌های دبستان هم می‌دانند اشتباه است. علاوه که بزرگترین مدرک و منبع این دین کتاب انجیل اوست.

أولاً: بر حضرت عیسی یک انجیل نازل شده بود، و اناجیل فعلی چهار تا است که سه تای آن مسلماً وحی نیست که باید حذف شوند ولی مشکله لا ينحل تمییز دادن انجیل اصیل از سه انجیل قلابی است.

و ثانیاً: این اناجیل چهارگانه بین خود اختلاف دارند که موجب بی اعتباری و سقوط آنها از درجه اعتبار است، خصوصاً که قرائن کذب و مطالب باطل در آنها زیاد است.

و ثالثاً: همه این اناجیل بعد از حضرت عیسی تألیف شده و کتب مؤلفه اهل علم است، خواه صحیح باشد خواه غلط، ربطی به کلام خدا و وحی آسمانی ندارد، البته در این کتابها از حالات عیسی نقل قول شده ولی حتی در حد حکایت و نقل قول نیز بخاطر عدم ذکر اسناد معتبر، نمی‌تواند مورد اعتماد باشد. علاوه بر آن که این دین شریعت جامعی برای نیازهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی انسانهای روی زمین، در اعصار گذشته و عصر فعلی ندارد و لذا استحقاق جهانی شدن را از دست میدهد.

فرانس و ندرلند نماینده اتحادیه اروپا روزی در نیمه اول یا اوائل نیمه دوم امسال (۱۳۸۱ ش) در دفتر من در شهر کابل به دیدنم آمد و راجع به اوضاع سیاسی افغانستان از من سؤالاتی می‌کرد.

در ضمن گفت پس از لویه جرگه (مجلس بزرگی که اعطایی آن رئیس دولت فعلی را برگزیدند) شما در اروپا مشهور شدید (من در آن مجلس بوسیله صحبت چند دقیقه درباره اسلام، کلمه اسلام را در نام دولت بوسیله رأی گیری از حاضرین که با تفاوت آرا منجر شد داخل کردم) گفتم لابد بعنوان مرجع مشهور شده ام که از دین حمایت کردم؟! او گفت در اروپا مردم مسیحی اند ولی ما نام دین را در سیاست داخل نمی‌کنیم و سیاست را جداگانه از دین نگه میداریم.

گفتم من کاملاً موافق شما هستم، شما انگیزه ای برای اینکار ندارید آخر مسیحیت در اصل اول خود (تثلیث) به بن بست رسیده و ریاضیات آنرا باطل میداند، ثانیاً مسیحیت شرایع ندارد تا به درد قانون بخورد و ثالثاً کلیساها در قرن وسطی جلو علم و اکتشاف را گرفتند و دانشمندان را به مرگ تهدید و حتی می‌کشتند، نزدیک بود گالیله را بخاطر اینکه می‌گفت زمین حرکت دارد بکُشنند.

ولی ما انگیزه نداریم از اسلام صرف نظر نماییم، بطور نمونه در زمان حیات پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نه ماشینی بود و نه دوچرخه ای (Bicycle). در بازار مدینه روزانه چند رأس شتر و گاو و اس و الاغ رفت و آمد داشتند، ولی ما از اطلاقات و عمومات ادله لفظیه و از عناوین ثانویه خود تمام مواد ترافیکی امروزی را جواب می‌دهیم، او از این جواب مذکوب شد و بجای سوالهای سیاسی درباره حقوق زنان و اقلیتهای دینی و غیره سوالات دینی نمود، و با خوشی مรخص شد!

شما تثلیث نصرانیها را با توحید و اصول دینی اسلام مقایسه کنید، آنوقت می فهمید چه قدر ساده و مطا بق عقل و واضح است، مثلاً:

– آفریدگار جهان یکی است.

– مدبر و رازق و زنده کننده و میراننده و معبد، همان آفریدگار است و بس.

– انبیاء و رسول همه انسان اند و با سایر انسانها در انسانیت تفاوتی ندارند و همه، مخلوق خداوند هستند.

– روز قیامت انسانها دوباره زنده و حساب پس می دهند، مومنین خوب به بهشت و کفار معاوند و مقصو به دوزخ می روند.

– کسانی که حجت شرعی بر آنها در دنیا تمام نشده باشد عقاب نمی شوند.

– خداوند جسم و جسمانی نیست و از تمام لوازم و عوارض ماده و مادیات میر^۱ است.

– خداوند در موجودی حلول نمی کند و اجزاء ندارد و شریکی ندارد و به کسی نیازمند نیست و همه مخلوقات به اراده او قائم اند.

این مطالب را همه می دانند و عقل در فهم آنها هیچ مشکلی ندارد، و آنچه که درباره خدا ذکر شد، حتی اگر دین اسلام نمی بود باز هم عقل آنها را درک نموده و می پذیرفت. ولی خدای انجیل برای عقل قابل تصور و تصدیق نیست.

دو مطلب مهم

1 – شکی نیست که زندگانی انسان توقف ناپذیر است و ما در جهان متحول و متتطور زندگانی داریم، پیشرفت علوم، موضوعات و مسائل تازه ای را در بسیاری از شؤون زندگانی ما وارد نموده که بیش از پانصد سال قبل – تا چه رسید به هزار و پانصد سال قبل – وجود نداشته است. بنا بر این چگونه ممکن است دین اسلام به همه مسائل و قضایای روز پاسخ بدهد.

لکن ما در قرآن و احادیث دینی خود عمومات و اطلاقاتی داریم که می توانیم از آنها حکم مسائل مستحدثه را استنباط کنیم، که در مذاکراتم با نماینده اروپا به آن اشاره کردم. ([4])

مثلاً اطلاق آیه مبارکه (او فوا بالعقود) مخصوص به عقود و معاملاتی که در کتب فقهی قدیمی ما ذکر شده

نیست، مخصوص به عقود رایجه در زمان حضرت پیامبر (صلی الله علیه وآلہ وسالم) او نیست مخصوص به عقود و معاملات عصر حاضر نیست، اوفوا بالعقود شامل تمام عقود و معاملات و قراردادها یی است که با صدھا نوع مختلف خود (که مخالف مقررات اسلامی نباشد) تا روز قیامت بین انسانها در امور اقتصادی و اجتماعی و سیاسی رواج پیدا می کند.

اما لة البرأة جواز تکلیفی بسیاری از امور را در مقام عمل مشخص می کند.

پس از عمومات و اطلاعات، حکم حاکم شرعی است که مطابق مصالح امت اسلامی در بستر زمان تکلیف مسائل و حوادث را روشن می سازد.

2 - هیچ فقه و قانون حقوقی بدون انعطاف پذیری قابل عمل نیست، انعطاف پذیری احکام فرعی اسلامی که از یک طرف جنبه ثبات و دوام تا روز قیامت را دارد، در خود شریعت نهفته است که می شود به عناصر زیر اشاره نمود:

1 - قاعده تقديم اهم بر مهم و دفع افسد بفاسد، در مقام تراحم.

2 - قاعده لا ضرر و لا ضرار.

3 – قاعده لا حرج.

4 – قاعده نفي عسر.

اين قواعد بسياري از بن بست ها را از راه تقنين و تشريع و استنباط فقهی برミدارد که بر اهل خبره واضح است.

5 – قواعد خاص ديگري که مثل قواعد فوق در همه جا عموميت ندارد و به ابواب خاصي اختصاص دارد مثل قاعده لاتعاد، نفي السبيل برآمين، و عدم ضمان محسن و هكذا.

خلاصه اين بحث: اديان مشهور آسماني که اصل دين بودن آسماني آنها مسلم است سه دين است: دين يهود، دين نصاري، دين مسلما نها.

ولي و دومي استعداد جها نی شدن را ندارند و اسلام چنین استعدادي را دارد، و چون خداجوبي و خداپرستي در فطرت انسان نهفته است و نيز انسان از جهات گوناگونی بدان نيازمند است، باید دين اسلام جها نی گردد. و انسانهای زمان ما به بسياري از تعاليم اسلامي نيازمندند که باید از آنها استفاده بيرند.

آنچه که تردیدنا پذیر است، چند بُعدی بودن وجود انسان است، انسان برخلاف پندار جمعی تک بُعدی نیست، مکاتب مارکسیسم، فریدیسم و پاره‌ای از روش‌های مرتاض‌های هندوئیسم و بعضی از مکاتب تصرف قدیم و جدید همه از انسانیت انسان به دور است، و لذا کمونیسم در روسیه و سرزمینهای شوروی سابق شکست خورد و بقیه آن در حال تعديل و اصلاح خود است و سائر مکاتب که همانند مارکسیسم از قوه نظامی مدرنی جهت تحمیل آنها بر مردم برخوردار نشده اند نفوذی در جوامع بشری پیدا نکرده اند، اگر بخواهیم قانونی برای انسانها تدوین کنیم که مورد پسند آنان قرار گرفته و قابل دوام باشد باید همه ابعاد وجودی او را مد نظر قرار دهیم:

1 – بُعد روحانی و خداجویی و خداپرستی او را که نیازمندی او را به راز و نیاز و مناجات با آفریدگارش تامین نماید، و همین دین خدا است که جلو بسیاری از مفاسد را در بین متدینین می‌گیرد.

2 – بُعد معنوی او همانند مکارم اخلاقی و تمایلات عالی انسانی او که بسیار مهم است.

3 – بُعد شهواني او که می‌شود آنرا به منفعت جویی تفسیر کرد، آدمی، خانه، لباس، غذا، طرف، فرش، اشیای دیگر مورد نیاز، و زن و شوهر می‌خواهد.

4 – بُعد غضبی او که دفع نا ملائمات و ضررها است.

5 – بُعد عقلانی او که اسلام در هیچ مورد از اصول و فروع خود مخالف عقل چیزی ندارد. که عقل را متحیر و سرگردان نماید، اشتباه نشود در فروعات عملیه شرعی موارد زیادی وجود دارد که عقل فلسفه آنها را نمی داند، مثلاً نماز فرض صبح چرا دو رکعت است؟ عقل چیزی از آن نمیداند مراد ما اینست که در اسلام چیزی وجود ندارد که متناقض با ادراکات عقلی باشد، و عقل آنرا باطل نماید.

ولی معجزه اینجا است که چگونه بین این ابعاد مختلف و متصاد وجودی او تعادلی برقرار نمائیم و چگونه آنها را تعدیل کنیم که هر کدام آنها نه نابود یا شدیداً ضعیف گردد و نه به حدی قوی شود که به سایر نیروها مجالی برای فعالیت شان ندهد و بر همه سلطه جوئی کند.

و برای حفظ انسانیت انسان این امر بسیار مهم و قابل دقت است.

دین اسلام چنین کاری را انجام داده است، در تشریع خود به همه ابعاد وجودی انسان توجه فرموده و به هر کدام حق طبیعی او را اعطا فرموده است.

قوه روحاني را اشبع کرده ولی نه به حدی که به رهبانیت و ترك دنيا و دوری از زن و فرزندان و نادیده گرفتن مسؤولیتهاي اجتماعی بیانجا مدد که:

- ليس منا من ترك دنياه لآخرته ولا آخرته لدنياه. ([6])

- إعمل لدنياك كأنك تعيش أبداً وإن عمل لآخرتك كأنك تموت غداً. ([7])

- فا نکھوا ما طاب لكم من النساء مثنی وثلاث ورباع.

- الدفاع عن النفس والعرض والمال ما مور به. (لاحظ باب الحدود من الوسائل، ج / 18)

- كما أن القرآن والسنة توکد وتصر على التزکية وتحصیل مکارم الاخلاق.

- قل من حرم زينة [] التي اخرج لعباده وطيبات من الرزق؟ قل هي للذين آمنوا في الحياة الدنيا ... (32 / 7)

- افلا تعقلون و يجعل الراجس على الذين لا يعقلون.

- مراعات شدید عدالت اجتماعی و حقوق انسانی در زندگانی اجتماعی. (والسماء رفعها ووضع الميزان الا تطفوا فی المیزان واقیموا الوزن بالقسط ولا تخسروا المیزان... ان الله يأمر بالعدل والاحسان... اعدالوا هو اقرب للتقوى وامثال كثیره این آیات).

- تعمیم برادری ایمانی بین همه مؤمنین و طرد همه گونه تبعیضات. (انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم)

5 - زمینه های جهانی شدن اسلام

1 - قوی شدن و سریع شدن ارتباطات بین المللی بوسیله طیاره ها و تلفن و فاکس و تلکس و کامپیوتر و اینترنت، تا جاییکه کره زمین به شکل شهری در آمده است.

2 - زمزمه های ابتدایی در مورد حکومت واحد جهانی، سازمان ملل متحد، کنفرانس اسلامی، اتحادیه آفریقا، جامعه عرب، اتحادیه اروپا، کنفرانس جهان سوم (که نمیدانم فعلاً در چه حالتی قرار دارد) و امثال آنها شواهد کوچکی بر روند ابتدایی و تدریجی کار بسوی حکومت واحد جهانی است. و بر اساس عقاید شیعه امامیه و حتی سایر مسلمانها در زمان ظهور مهدی حکومت واحد جهانی اجتناب ناپذیر است.

3 - پیش روی تدریجی بشر در مجموع من حیث المجموع بسوی عقلانیت و انتخاب احسن و ضعیف شدن تعصبهای کور.

4 – احتمال نفوذ بیشتر اسلام در بین مردم مغرب زمین. جمعی از دانشمندان فرانسوی در کتابی نوشته بودند تا چند نسل بعد مسلمانها اکثریت را در فرانسه تشکیل خواهند داد.

5 – احتمال خسته شدن غربیها از روش‌های افراطی جنسی و سلوکی فعلی و طغيان مادیات و علاقه پیدا کردن بیشتر به سوی دین واقعی خدا. (فطرة الله التي فطر الناس عليها لا تبدل لخلق الله).

6 – توسعه شریعت اسلامی و روش بودن پایه ها و اصول دین و نزدیکی احکام دینی با عقل و مطلق و فطرت انسانها.

7 – رسیدن مذاهب اسلامی به یک اصول مشترک جهت پیش بردن دعوت جهانی شدن اسلام بوسیله اینترنت و رادیو و تلویزون.

8 – تشویق و بسیج مبلغین و سخنرانان و مؤلفین در کشورهای اسلامی و در سرزمینهای دیگر به تبلیغات فرهنگی، و تأسیس دانشکده (فاکولته)‌ها یی در چند کشور اسلامی زیر نظر استادان با تجربه برای تعلیم و تبیین مقدمات این هدف.

9 – فعال شدن کنفرانس اسلامی تا حدی درین راستا.

باورانیدن اهداف روش اسلامی به بیگانگان ما نند:

1 - براذری و برابری اسلامی.

2 - عدالت اجتماعی.

3 - پایبندی شدید به حقوق انسانی.

4 - اهمیت صلح و امنیت.

5 - آزادی های معقول.

6 - مردم سالاری در نظام حکومت.

7 - حقوق مشروعه زنان بطور مشخص براساس فقه اسلامی.

8 - تمایلات عالیه انسانی در اخلاق اسلامی.

9 - بطلان تبعیضات گوناگون.

10 - طرح مشخص اقتصاد ملی.

11 - نظر مؤکد اسلامی در تحصیل علوم مختلف.

12 - برتری افراد انسان فقط به علم و تقوی.

13 - ابطال استعمار و استثمار در اجتماع اسلامی.

14 - ابطال ناسیونالیزم و برابر دانستن همه انسانها در کرامت.

و امثال این اصول.

6 – اظهار الرسول الدين على الاديان

(قال الله تعالى: هو الذي ارسل رسوله بالهدى و دين الحق ليظهره على الدين كله و لو كره المشركون). (التوبه / 23) و (الفتح / 28) (الصف / 9)

خداؤند رسولش را به هدایت و دین حق فرستاده است، تا آنرا بر همه دینها طاهر گرداند هر چند که مشرکان کراحت داشته باشند.

آیا این آیه شریفه که در 3 سوره قرآن تکرار شده دلالت بر جهانی شدن اسلام دارد یا نه؟ بعضی از مفسرین کلمه اظهار را به تعلیه و تغلیب (بالا بردن و غالب گردانیدن) ترجمه کرده است. شاید مرادش تغلیب برها نی و استدلالی باشد، یعنی اسلام را از نظر دلیل و برهان بر همه ادیان غالب گرداند، و گرنه رسول الله (صلی الله علیه و آله) ادیان را از بین نبرد و تا امروز ادیان جهان غالباً باقیست، مگر اینکه آیه متوجه زمان مهدی صاحب الزمان باشد که روی شرایط خاصی او به جهانی شدن اسلام می پردازد.

۱ - تعصبات شدید دینی پیروان ادیان که در عمق افکار آنان نفوذ دارد، کمونیسم لینینی و استالینی با دیکتا توری و قتل‌های عام و تبلیغات ضد دینی نتوانست ادیان را حتی در روسیه از بین برداشت
بالاخره خود از پای در آمد.

اگر مراد از جهانی شدن این باشد که ادیان در غالب جوامع انسانی جای خود را به اسلام بددهد این احتمال از نظر اینجانب قابل تحقق نیست و تلاشی در این راه تنها تعصبات دینی را در من خواهد زند و وسائل در دست داشته فعلی ما، حمله مسلحه، تبلیغات سراسام آور فرهنگی، تهدید و إطماء و امثال آنها حتی با فرض تحقق این وسایل در حکومت جهانی واحد کارآیی کافی را ندارد، و مسلماً^۲ مهدی موعود - عجل الله تعالى فرجه الشریف - با وسائل دیگری این آرزو را تحقق خواهد بخشید.

اساساً^۳ قانع ساختن مردم دنیا و ملت‌های جهان به حقانیت دین اسلام حتی به مقایسه بت پرستی و الحاد (در مثل هند و چین و روسیه) تا چه رسد به مقایسه ادیان منسخه نه تنها برای ما میسر نیست که برای شخص پیامبر اکرم (صلی الله عليه وآلہ) که متصل به وحی الهی بود میسر نشد که از قطعیات تاریخ است، و قرآن مجید هم این موضوع را به پیامبر صریحاً اعلام کرد که: (إِنَّكَ لَا تَهْدِي مِنْ أَحَبِّتُ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مِنْ يَشَاءُ)^۴ همانا تو نمی توانی کسی را که دوست داری هدایت کنی، لکن خداوند کسی را که بخواهد راهنمایی می کند، و می شود که در این راستا آیات زیادی را ذکر کرد ما تنها به ذکر یک آیه اکتفا می کنیم:

(ولو اننا نزلنا اليهم الملائكة وكلهم الموتى وحشرنا عليهم كل شئ قبلًا ما كانوا ليؤمنوا الا ان يشاء الله ولكن اكثراهم يجهلون). (انعام / ۱۱۱)

اگر ما بسوی کفار فرشتگان فرو می فرستادیم و مردگان با آنان صحبت می کردند و همه اشیاء را بر آنان روپرتو (یا قبیله قبیله) جمع می کردیم اینان از ایمان آورندگان نبودند مگر اینکه خدا بخواهد ولی اکثر آنان نمی دانند.

به این آیه توجه دقیق نمایید که عوامل معمولی به جهانی بودن یک دین در کره زمین نمی انجامد، آیه اگرچه بنحو قضیه مهمله در حق کفار وارد شده و عمومیت ندارد که همه آنان محکوم به این لجبازی و کفرپرستی نهایی گردند، ولی بهر حال آیه از حقیقت تلخی حکایت می کند، بلی اگر خداوند بخواهد و وسائل این کار را اگرچه بعد الجاء و اجبار نرسد، فراهم بسازد، موضوع میسر می گردد.

2 - رقا بت شدید استثماری و سیاسی بین دولتهای شرق و غرب و حتی هجوم فرهنگی کلیسا برای انحراف مسلمانان مانع دیگری از جهانی شدن اسلام است. دولتهای قدرتمند از اسلام خوششان نمی آید و به هیچ وجه اجازه جهانی شدن به اسلام را نمی دهند و حتی راضی به نفوذ فعلی او نیستند و رادیوهای استعماری آنان شبانه روز علیه اسلام و اتهام آن تبلیغات سوء می کنند.

3 - کشورهای ثروتمند جهان روی اشتباه، فقر و جهالت مسلمانان را از اسلام میدانند و لذا گرویدن به آن را مایه پسمانی خود خواهد دانست و رفع این اشتباه کار زیادی می خواهد.

4 - سید جمال اسدآبادی می گفت اگر بخواهیم از اسلام تبلیغ کنیم اول باید به مردم جهان بگوییم که اعمال ما اسلامی نیست!! تخلفات اخلاقی و شرعی جمع زیادی از مسلمانان در شرق و غرب مشکل دیگری برای قبولاندن اسلام به دیگران است.

5 – اختلافات مذهبی مسلمانان باید مهار شود و صدای شیعه و سنی در معرفی اسلام یکی گردد، و گرنه دیگران به ما خواهند گفت که اول اختلافات خود را حل کنید، بعد از ما دعوت بعمل آرید.

ولی ما فعلاً دچار بعضی از مسالک متطرف و افراطی هستیم اگر عملکرد آنان را تقبیح نکنیم باید اکثریت مسلمانان را از اسلام بیرون بدانیم و اگر تقبیح کنیم اشکال فوق لازم می‌آید، البته دشمنان مسالکی را در جهان اسلام به نفع خود و بمنظور جلوگیری از اتحاد مسلمانان تقویت کرده و می‌کنند بهر حال دارالتقریب هدف مقدسی را دنبال می‌کند و ان شاء الله در هدف خود که اتحاد و تقویت جبهه داخلی مسلمانان است تا حدود مناسبی کامیاب خواهد شد.

خلاصه اینکه برای جهانی شدن اسلام، تقویت جبهه فرهنگی و همبستگی فکری در پناه اخلاق حسن لازم است.

6 – از همه مهم‌تر مشکل مخالفت اکثر دولتهای حاکم بر کشورهای اسلامی است و نه تنها مانع جهانی شدن اسلام می‌گردد که از نفوذ فعلی آن نیز می‌کاهد، و بسیار بعید است که با موضوعگیری دولتهای فعلی، اسلام در جهان امروز پیشرفت چشمگیری پیدا کند.

اقسام جهانی شدن

شکی نیست که باستناد آیات و روایات، دین اسلام یگانه دین حق خداوند تا روز قیامت برای همه انسانها است و مستفاد از بعضی آیات سوره جن اینکه جن هم مثل انس مکلف بدین اسلام می‌باشد و پیامبر اسلام پیامبر عالمیان است (للعالمین نذیرا) و بعید نیست که دین اسلامی وقتی جهانی هم بشود، و آن وقت، موقع ظهور و خروج حضرت مهدی صاحب الزمان (عج) می‌باشد. (یملاً الارض قسطاً وعدلاً بعدهما ملئت ظلمًا وجورا).

ولی سوال مهم و اصلی اینست که آیا دین اسلام در عصر ما و در اعصار آینده قبل از ظهور و خروج مهدی که با شرائط جدیدی که تفصیل آنها را نمی‌دانیم به جهانی شدن اسلام می‌پردازد، برای جهانی شدن حسب ملاحظه شرایط عصر ما چه مقدار شانس دارد؟

برای پاسخ به این سؤال باید مفهوم جهانی شدن را کمی باز کنیم:

احتمال اول: که همه یا غالب دینها از بین بود و پیروان آنان به دین اسلام مشرف شوند و نیز بی دینان هم متدين بدین اسلام گردند.

احتمال دوم: اکثر مردم دنیا به دین اسلام معتقد و عامل گردند، و بقیه به سایر ادیان عمل نمایند.

احتمال سوم: که حکومت جهانی واحد در آینده ها بوجود آید و دین رسمی آن دین اسلام باشد، هر چند که سایر ادیان هم دارای پیروان خود باشد.

احتمال چهارم: که اسلام در همه کشورهای شرقی و غربی در همه قاره های کره زمین نفوذ یابد، چه این کشورها مانند چین بی دین باشند و یا دارای مسالک باطل و یا ادیان منسوخ، حتی اگر نصف مردم دنیا مسلمان و نصف دیگر آن غیرمسلمان باشند، باز هم می‌شود که جهانی شدن اسلام را، کامل تلقی کنیم.

احتمال اول منتفی است و ما قبلاً به آن اشاره ای نمودیم. بلي ملاحظه روحیات بي دینان و اهل ادیان دلیل بطلان این احتمال است.

احتمال چهارم اگر شرایط آنرا ما فراهم کنیم امکان تحقق آن وجود دارد، و شرایط آن اموری است که به جهات اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و اخلاقی و روانی برミ گردد.

آیا ما می توانیم امکانات مادی این کار را تهیه کنیم؟

آیا برنامه فرهنگی و ارشادی این عمل براساس روانشناسی ملتها چگونه طراحی گردد؟

آیا برای اجرای این طرح افرادی که دارای اراده های قوی و نیات خالصه و هوشیار تیز و سلیقه های خوب باشند پیدا خواهند شد؟

آیا عکس العمل سیاسی و دینی دیگران چگونه خواهد بود و ما از چه راهها یی می توانیم این عکس العمل را تخفیف دهیم؟

چند دولت در کشورهای اسلامی و لو بدون تطاہر به آن و حتی در خفا عهده دار تطبیق قسمتی از این برنامه می گردد؟

مهم تر اينکه تا ما موفق نشويم اكثريت قوانين رسمي چند کشور اسلامي را اسلامي نکним آيا در برنامه خود موفق خواهيم شد؟

گاهي مي شود مرکز فاسد باشد و برنامه توسط افراد مخلص پيش برود، مثلاً دربار اموي و عباسی از نظر ديني کم رنگ و از نظر اخلاقی فاسد شده بود ولي اسلام توسط مسلمانان مخلص و حقانيتی که خود او داشت توسعه يافت و به بسياري از کشورها رفت و در دلها جايگزين شد. حتی از آسيا به آفريقا و از آنجا به اروپا رفت.

اگر دربار اموي مانع کار طارق و ساير فرماندهان رشيد و مسلمان با اعتقاد نمي شد آيا اروپا ييان امروز در پناه اسلام زندگاني نمي داشتند و پرچم آن در اروپا به اهتزاز درنمی آمد و تاریخ عمومی جهان چيز ديگري نبود؟

درست است که ما غيب را نميدانيم ولي حدس زدن باستناد شواهد و قرائن، خلاف روش عقلانيست.

سخن اخير اينست که جها نی شدن اسلام نه چندان کار ساده و آسانی است که فوراً هيجان زده شويم که حتی در برنامه کار خود از دقت و دوربیني غافل شويم و نه ناممکن است که نامايد شويم و همانند افلیج زدگان تنها نگاه کnim و افسوس بخوريم و دست به هیچ عملی نزنیم.

عاقبت منزل ما وادي خا موشان است حالياً غلغله در گنبد افلاک انداز

فعلاً^۱ که تا حدودی شرایط ذهنی و روانی و اقتصادی از طرف مؤسسين فراهم گردیده چه بهتر که دست به کار شويم و با برنامه های کوتاه مدت و درازمدت و رعایت شرایط سیاسی و اجتماعی و روانی با توکل بر خداوند حرکت کنیم. (وقل اعملوا فسیری اه عملکم ورسوله والمؤمنون).

موضوع دیگر که در اینجا قابل بحث و تشخیص می باشد، اینست که مراد ما از جهانی شدن اسلام آیا تنها مسلمان ساختن غیر مسلمان است، یا تطبیق احکام و یا نظام اسلامی، که دومی از اولی مشکل تر است و بايد بجای جهانی شدن اسلام در سرزمین دیگران، عطف توجه به سرزمینهای اسلامی جهت حاکمیت اسلام بنمائیم و یا هر دو را می خواهیم که هدف پیچیده تر و مقدمات بیشتری می خواهد. میشود که معنای دوم را در طول معنای اول قصد کنیم و اول به مسلمان نمودن غیرمسلمانان پرداخته شود و آنگاه فکری برای حاکمیت اسلام و تطبیق احکام آن بشود، و می شود که با اختلاف اماكن یکی از این دو معنی را مورد توجه قرار داد.

البته در اساس باید اسلوب دعوت در اروپا و امریکا با آفریقا فرق داشته باشد، چنانچه روش دعوت در آسیا غیر از روش دعوت در آفریقا خواهد بود.

و چنانچه نحوه تبلیغ و بیان و سبک استدلال ما در میان بت پرستان، و اماکنی که تحت سیطره کمونیست ها بوده است و با اهل کتاب و نصرانیها و بودائیها تفاوت داشته باشد، با اینکه دعوت عقلی و به حکمت و برهان همه جا لازم است ولی مجادله به احسن با اختلاف مخاطبین ما فرق خواهد کرد.

من باز پیشنهاد تأسیس دانشگاه دعوت به حق و جهانی شدن اسلام را تکرار می کنم تا همه جزئیات برنامه در آنجا به شکل علمی روانی و اخلاقی مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

جهانی شدن نظام اسلامی آثار زیر را به بار می آورد:

1 - برادری و خواهی انسانها:

2 - بوجود آمدن حکومت جهانی واحد بدون نزاع و خونریزی؛

3 - انطباق عدالت اجتماعی در زندگانی اجتماعی؛

4 - از بین رفتن استعمار و استثمار؛

5 - از بین رفتن قوم گرایی و زبان گرایی و کشورگرایی و ملت گرایی. (ناسیونالیسم)؛

6 - برابر شدن همه انسانها با اختلاف زبان و رنگ و نژاد و منطقه و قوم در برابر قانون؛

7 - جلوگیری از تولید اسلحه و به هدر رفتن ثروت انسانی؛

8 – از بین رفتن فقر بوسیله حرمت شرعی اسراف و تبذیر و انگیزه های اخلاقی و دینی مسئولین در کمک به دیگران؛

حال خود شما قیاس کنید که جهانی شدن نظام قدرتمند امروز خوب است یا اینکه اسلام جهانی شود.

([1]). عضو شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

.58 . ج 1 / ([2])

([3]). الازهار المتناثرة في الأحاديث المتواترة وازالة الخفا وقرة العينين از کتابهای سیوطی. و حاکم نیشا بوری میگوید: دخل الحديث في حد التواتر.

([4]). ادلہ شریعت: قرآن ، سنت ، اجماع و عقل است که بعضی از مذاهب اهل سنت بعوض آن قیاس را عنوان می کنند عقل حکمی مفید قطع باشد. قیاس حکم طنی و غیرقطعي است.

([5]). بحار الانوار.

([6]). وسائل الشیعه ج 17 / .76

([7]). وافي باب معاملات و وسائل ج 17 / .58